



مرکز تحقیقات استراتژیک  
معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

گزارش

شماره ۲۸۵

خرداد ۱۳۹۶

محمد زادع  
مرکز تحقیقات استراتژیک

نقش چین در روابط ایران و هند



## مقدمه

اگرچه روابط دیپلماتیک و اقتصادی چین و هند در دو دهه گذشته افزایش بیشتری به نسبت گذشته پیدا کرده است لیکن این بهبود نسبی در تعاملات نتوانسته است به حوزه‌های امنیتی نیز تسری پیدا کرده و دو کشور همچنان در مسائل امنیتی و استراتژیک یکدیگر را با لنز و دریچه ارتباطی سال ۱۹۶۲ یعنی جنگ و برخوردهای مرزی می‌نگرند. به بیان دیگر تاریخ و وزن چالش‌های تاریخی بر روابط دو کشور سنگینی کرده و به منشور تعیین کننده رفتارهای بلندمدت و استراتژیک دو کشور تبدیل شده است.<sup>۱</sup> این مسئله را می‌توان در نظرسنجی انجام گرفته در سال ۲۰۱۳ در هند و چگونگی نگرش آنان نسبت به چین نیز مشاهده کرد. در نظرسنجی که موسسه Lowy در سال ۲۰۱۳ در این کشور انجام داده بود تقریباً ۸۳ درصد از جامعه آماری مورد نظرسنجی، چین را به عنوان یک تهدید می‌نگریستند و متقابلاً ۷۰ درصد از چینی‌ها نیز نظر مساعد و

مطلوبی نسبت به هند نداشته‌اند. وجود این نگرش‌های منفی صرفاً مختص به برخی از بدنه‌های اجتماعی این کشور نیست و طیف کثیری از نخبگان و تحلیل‌گران هندی نیز تا حدودی چنین نگرشی نسبت به چین دارند. به عنوان مثال با مطالعه برخی از آثار منتشر شده نویسندگان و تحلیل‌گران هندی نسبت به استراتژی یک کمر بند یک جاده نیز می‌توان به خوبی متوجه این مسئله شد. کانون نگرشی و تحلیلی این نویسندگان نسبت به استراتژی یک کمر بند یک جاده بر عنصر و شاخص بی‌اعتمادی استوار است و این استراتژی و سرمایه‌گذاری‌های این کشور در این راستا را «اسب تروای» چین برای تحقق تمایلات استراتژیک مرزی این کشور خطاب کرده‌اند. به بیان دیگر این تحلیل‌گران و نویسندگان هندی معتقدند که ابعاد اقتصادی این استراتژی در واقع ماسک و پوششی برای اهداف و ابعاد امنیتی آن است. این مسئله در مورد نخست وزیر هند هم تا حدود زیادی صادق است. هرچند «مودی» پس از پیروزی در انتخابات و تبریک «لی کچیانگ» به وی اعلام کرد که چین یکی از اولویت‌های اساسی

1. history as Agenda

## نقش چین در روابط ایران و هند ۲

اسلامی ایران نیز مستثنی نخواهد بود. در ادامه تلاش می‌شود تا نوع نگاه هند به قدرت‌یابی چین را در تفکر استراتژیک این کشور و سه رهیافت نهروئیسم، نئولیبرالیسم و رئالیسم مورد بررسی قرار دهیم و سپس تاثیر و خروجی این بینش را در مثلث روابط چین، هند و ایران مورد بررسی قرار دهیم.

### بررسی قدرت‌یابی چین در تفکر استراتژیک

#### هند

به طور کلی می‌توان تفکر استراتژیک موجود در هند نسبت به تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای و به خصوص قدرت‌یابی چین را در حول سه رهیافت نهروئیسم، نئولیبرالیسم و رئالیسم که هر کدام نگاه و بینش خاصی نسبت به قدرت‌یابی چین و چگونگی کنش در محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دارند را مورد بررسی قرار داد. در ادامه تلاش می‌شود تا در وهله اول ادراک و چگونگی نگاه هند به چین را در این سه رهیافت به صورت مختصر مورد شناسایی قرار دهیم و سپس خروجی این ادراک را که بر چگونگی تعامل هند با دیگر بازیگران از جمله ایران تاثیر دارد را بررسی و تبیین نماییم. به بیان دیگر نوع و چگونگی تعامل هند با ایران و نقش متغیر مداخله‌گر چین را باید از طریق خروجی این دستگاه فلسفی و نظری شناخت.

#### (۱) نهروئیسم

مفروضات نظری این رهیافت اساساً نسبت به معادلات مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی خوش‌بین بوده و امنیت را برخلاف رویکردهای رئالیستی کالایی کم‌یاب تلقی نمی‌کند بلکه تاکید دارد که اصل همکاری در میان بازیگران و کشورهای منطقه‌ای و همچنین نظام بین‌الملل می‌تواند از قدرت‌روایی و

سیاست خارجی هند است. اما با بررسی رفتار وی قبل از پیروزی در انتخابات می‌توان به تسلط رهیافت بدبینانه نسبت به چین در ذهنیت وی پی برد. به عنوان مثال وی بیان داشته بود که هند می‌بایست یک رهیافت تاکتیکی نسبت به چین اتخاذ نماید و به بازرگانان و شورای بازرگانی هند اعلام کرد که می‌بایست با تلاش بیشتر چین را پشت سر بگذارند. در واقع حاکمیت همین نگرش بدبینانه و تهدیدمحور متقابل است که امکان تسری و سرایت روندهای همکاری‌گرایانه در حوزه‌های اقتصادی و دیپلماتیک به حوزه امنیتی را فراهم نمی‌کند و اصل رقابت استراتژیک را بر همکاری استراتژیک در روابط دو کشور مرجح داشته است. شاید جدیدترین مسئله در ارتباط با حاکمیت شاخص رقابت استراتژیک در روابط دوجانبه چین و هند را بتوان به مخالف چین با عضویت و ورود هند به گروه تامین‌کنندگان سوخت هسته‌ای (NSG)\* و به بیان دیگر حضور هند در سطوح عالی تصمیم‌سازی در امور هسته‌ای دانست. اگرچه چینی‌ها به صورت اعلامی همواره از رویکردهای تعامل مبنا در ارتباط با هند حمایت کرده اند لیکن واقعیت و عمق بینش و نگاه چین به هند در واقع نگاه به این کشور به عنوان یک « کالای آمریکایی » یا لوکوموتیو سیاست‌های آمریکا در منطقه است. در مجموع باید گفت که حاکمیت و تعیین‌کنندگی شاخص رقابت استراتژیک در روابط دوجانبه تا حدود زیادی نحوه و چگونگی روابط دو کشور با دیگر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و نحوه حضور و نفوذ در دیگر مناطق را هم تعیین می‌کند و در این میان جمهوری

\* Nuclear Suppliers Group



تبيين معادلات مختلف برخوردار باشد. حامیان این رهیافت براساس مفروضات این چشم‌انداز نظری، نگاه منعطفی به چین داشته و این کشور را به عنوان تهدیدی برای منافع و امنیت ملی هند تلقی نمی‌کنند. این رهیافت معتقد است که با توجه به وجود ارتباطات، خاطرات و انگاره‌های مشترک هر دو کشور از اشغال توسط نیروهای خارجی، دو کشور دشمن نمی‌باشند و روابط آینده دو کشور نیز روابطی قابل مدیریت و فاقد عنصر منازعه است.

## ۲) نئولیبرالیسم

حامیان این رهیافت ضمن رد مفروضات نظری رهیافت گذشته به خصوص این مسئله که وجود تاریخ و رنج مشترک از اشغال توسط بیگانگان بر وجود یا عدم وجود دشمنی با چین اثرگذار است، بیان می‌دارند که جهانی شدن و رشد وابستگی متقابل در حوزه‌های مختلف به خصوص حوزه‌های تجاری و اقتصادی، زمینه‌ها و بسترهای لازم برای همکاری را در میان دو کشور فراهم خواهد آورد و مدیریت جمعی فرصت‌ها و تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستور کار سیاست خارجی دو کشور چین و هند قرار خواهد داد. لذا این رهیافت با اتکاء به مفروضات فوق تاکید می‌نماید که جوهره روابط فی‌مابین در آینده به سمت همکاری به منظور حل چالش‌های مشترک سمت و سو پیدا خواهد نمود.

## ۳) رئالیسم

حامیان این رهیافت با مبنا قرار دادن تجارب تاریخی، مفروضات دو رهیافت سابق را به چالش کشیده و معتقد است که آنها نمی‌توانند سنگ‌بنای تحلیلی مناسبی به منظور تبیین رفتار منطقه‌ای هند تلقی شود. رئالیست‌ها معتقدند که اصل همکاری چین و

هند در جهت سامان‌دهی نظم امنیتی منطقه آسیا فاقد اعتبار است و «رقابت» بر «همکاری» تقدم ماهوی دارد. به همین دلیل این گروه از نظریه‌پردازان بیان می‌دارند که هندوستان می‌بایست خود را برای رویارویی نظامی با چین به خصوص در بحث بازدارندگی هسته‌ای آماده نماید. متفکرین رئالیست بیان می‌دارند که رشد توانمندی‌های نظامی، هسته‌ای، فضایی و سایبری چین، رقابت میان دو کشور را به خصوص در مناطق غرب، جنوب و جنوب شرق آسیا افزایش خواهد داد و به همین دلیل درک و تصویر «تهدید پایدار» از چین در کانون مفهومی و رفتاری تصمیم‌سازان و سیاستگذاران هندی قرار خواهد گرفت. بررسی و تحلیل محتوای دو مجله هندی «تحلیل استراتژیک» و «بررسی دفاعی هند» نیز این نگرانی و تلقی از چین به عنوان یک تهدید را به خوبی نشان می‌دهد. متفکرین رئالیست تاکید دارند که تهدید چین می‌تواند به دو شکل الف) تهدید مستقیم به این معنا که ۴ هزار کیلومتر مرز چین و هند به صورت مستقیم مورد تهدید چین واقع شود و ب) تهدید غیرمستقیم در شکل حمایت چین از همسایگان هند به خصوص پاکستان به منظور مهار رفتارهای گریز از مرکز این کشور و همچنین جلوگیری از تفوق هند در جنوب آسیا است. به عنوان مثال و در ارتباط با گزینه الف می‌توان گفت که طی چند سال اخیر حضور چین در توسعه زیرساخت‌های جاده‌ای و عمرانی در مناطق هم مرز با هند افزایش پیدا کرده است به گونه ای که برخی از تحلیل‌گران دفاعی بیان داشته‌اند که چین در نتیجه این ساخت و ساز می‌تواند ۳۲ لشکر را ظرف شش هفته به مناطق داخلی هند منتقل نماید. در حال حاضر چین تقریباً ۷ هزار کیلومتر خطوط جاده‌ای در

## نقش چین در روابط ایران و هند ۴

۳. نگرانی نسبت به سیاست «نگاه به شرق» هند و گسترش روابط این کشور با کشورهای جنوب شرق آسیا. در سال ۲۰۱۴ «مودی» بیان داشت که تلاش دارد تا سیاست نگاه به شرق را به سیاست «ACT East» تبدیل نماید و در این راستا همکاری‌های استراتژیک با ژاپن، فیلیپین، ویتنام و استرالیا را گسترش دهد.

۴. نگرانی نسبت به رشد توانمندی موشکی و فضایی هند

همانگونه که در فوق نیز مشخص است تلقی و تصور تهدید از هند در میان تحلیل‌گران چینی نیز وجود دارد و حتی در پاره‌ای مواقع این تحلیل‌گران از هند به عنوان «ژاپن در مقیاس کوچک» که در تلاش برای تفوق و تسلط بر منطقه است نیز یاد کرده‌اند.

### مثلث چین، هند و ایران

همانگونه که در فوق نیز بیان شد نزدیکی هند و آمریکا و تمایل هند به استفاده از ظرفیت‌های راهبردی ناشی از این تعامل، یکی از شاخص‌های مهم و اثرگذار در چگونگی تصمیم‌سازی در حوزه سیاست خارجی در هند است و این کشور تلاش می‌نماید تا بر مبنای وجود و حاکمیت این انگاره روابط خود با دیگر کشورها از جمله چین و ایران را نیز تعریف نماید. چنین درکی در میان تصمیم‌سازان و سیاستگذاران هندی باعث شده است تا برخی از تحلیل‌گران بیان دارند که سیاست خارجی هند، فاقد استقلال و اراده لازم برای اتخاذ تصمیمات راهبردی است. طبیعتاً چنین حجمی از اثرگذاری آمریکا بر اتخاذ تصمیمات راهبردی هند نمی‌تواند با مبانی نگرشی و تصمیم‌سازی در چین و همچنین جمهوری اسلامی ایران

مناطق مورد اختلاف با هند ساخته و تلاش دارد تا سال ۲۰۲۰ این میزان را به ۱۱۰ هزار کیلومتر افزایش دهد. سرعت بالای ساخت و ساز عمرانی چین در مناطق مورد اختلاف با هند و همچنین سرعت پایین خود هند در توسعه و عمران این مناطق خود به عنوان یک تهدید از طرف هند درک و فهم می‌شود. مسئله مهم دیگری که نگرانی هند و گسترش احساس تهدید نسبت به رفتارهای چین را باعث شده است ارتباط این کشور با پاکستان و تلقی از پاکستان به عنوان یک متحد استراتژیک است. گسترش روابط چین و پاکستان و استفاده از کارت بازی پاکستان برای مهار و موازنه در برابر هند همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدات و نگرانی‌های پایدار هند بوده است. اخیراً نیز تلاش چین برای فروش ۸ زیردریایی Yuan-class به پاکستان به ارزش ۵ میلیارد دلار که بزرگترین قرارداد دفاعی چین نیز نامیده شده است و همچنین تلاش مشترک دو کشور چین و پاکستان برای جلوگیری از ورود هند به گروه عرضه‌کنندگان سوخت هسته‌ای را می‌توان از جمله برخی از تلاش‌های جدید چین برای نزدیکی بیشتر به پاکستان دانست. لازم به ذکر است که پاکستان در حال حاضر نیز بیشترین تعداد پروژه را در قالب استراتژی کمربند اقتصادی جاده ابریشم تعریف کرده است. در مجموع می‌توان تلقی و تصور تحلیل‌گران چینی از هند را به صورت ذیل بیان نمود:

۱. تصور از هند به عنوان یک قدرت در حال ظهور و برخوردار از توان لازم برای شکل‌دهی به معماری امنیتی منطقه‌ای
۲. تلقی گسترش روابط هند و آمریکا و هند و ژاپن به عنوان عاملی برای مهار و توازن در برابر چین



تطبیق داشته باشد. در نتیجه وجود این اختلاف در مبانی نگرشی که اصل رقابت استراتژیک را بر تعامل و همکاری استراتژیک مرجح داشته است، یکی از مهم‌ترین ظرف‌های تحلیلی روابط این دو کشور (چین و هند) و نوع تعامل آنها با جمهوری اسلامی ایران در مناطق مختلف به خصوص غرب آسیا و همچنین آسیای مرکزی نیز از همین مسئله مشتق می‌شود.

به عنوان مثال برخی معتقدند که اگرچه در محافل علمی و آکادمیک، رفتار و سیاست‌های هند را بیشتر در ارتباط با پاکستان تبیین و تحلیل می‌نمایند لیکن واقعیت آن است که سیاست‌های هندوستان و همچنین هل دادن این کشور توسط آمریکا به سمت قدرتمندی بیشتر را می‌بایست به عنوان شاخصی برای حفظ توازن ژئوپلیتیکی در برابر چین و مهار این کشور نگریست.

شاید بتوان عینیت این بحث و رفتار هند در این زمینه را در گزارش کمیسیون بررسی روابط امنیتی و اقتصادی چین و آمریکا\* به خوبی مشاهده نمود. گزارش کمیسیون بررسی روابط امنیتی و اقتصادی چین در آمریکا در صفحه ۶ خود بیان می‌دارد که سرمایه‌گذاری چین در بندر گوادر و سواحل مکران در واقع تلاشی برای ایجاد یک هاب تجاری و ترانزیتی برای آسیای مرکزی و به صورت همزمان توسعه نفوذ استراتژیک در این مناطق و نهایتاً توسعه روابط ژئو استراتژیک دریایی این کشور است. همین فهم مسلط از رفتار چین در نزد هند و آمریکا است که باعث شده است تا هندی‌ها تمام تلاش خود برای حضور و نفوذ

\* کمیسیون بررسی روابط اقتصادی و امنیتی چین و آمریکا در اکتبر سال ۲۰۰۰ توسط کنگره آمریکا و به منظور رصد، بررسی و ارائه پیشنهادات لازم به این کنگره جهت قانونگذاری بهتر ایجاد شد.

در بندر چابهار ایران را به عنوان عاملی برای خنثی نمودن تلاش‌های چین و گسترش تمایلات استراتژیک این کشور را در دستور کار قرار دهند. همچنین اهمیت این مسئله را می‌توان در سفر هیات‌های چینی و هندی به چابهار نیز مشاهده نمود. تقریباً با هر سفر هندی‌ها به چابهار سفری از سوی هیات‌های چینی به این منطقه و بالعکس نیز انجام پذیرفته است. بر اساس آنچه در فوق بیان شد باید این نکته مهم را یادآور شد که جنس نگاه چین و هند با نگاه جمهوری اسلامی ایران به منطقه چابهار متفاوت است. به بیان دیگر در حالیکه جنس نگاه دو کشور چین و هند به چابهار بیشتر نگاه استراتژیک و ناشی از حاکمیت و تسلط شاخص رقابت استراتژیک در روابط دو جانبه است، نگاه جمهوری اسلامی ایران به چابهار به خصوص در نتیجه فضای ایجاد شده پس‌اثر جام‌نگاهی توسعه‌ای است و از همین رو علاوه بر اینکه ممزوج کردن این دو نگاه کمی دشوار است، همچنین می‌بایست تلاش نمود تا آثار راهبردی و استراتژیک چنین تعاملاتی با دو کشور چین و هند نیز به خوبی مد نظر قرار گیرد. البته لازم به ذکر است که تسلط و حاکمیت رقابت استراتژیک در روابط دو کشور چین و هند به صورت کلان و نسبت به مسائل منطقه‌ای به خصوص چابهار می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران به تولید فرصت نیز منجر شود. به این معنا که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند توان دیپلماسی اجبار اقتصادی خود را که تا کنون در استراتژی‌های کلان کشور به آن توجه نشده بود را برای اولین بار تقویت نماید. به بیان دیگر چابهار می‌تواند اولین پرونده در حوزه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران باشد که کشور بتواند از خروجی رقابت استراتژیک میان چین و هند به صورت

منطقه‌ای به منظور برقراری توازن را دنبال نماید لیکن یک استثناء برای این مسئله قائل می‌شوند و آن هم چین است. بنابراین با استفاده و بازی با کارت چین در صورت برنامه ریزی دقیق و صحیح اگر نتوانیم از آمریکا امتیاز بگیریم لاقلاً از متحدین منطقه‌ای این کشور مانند هند می‌توان امتیاز گرفت. شاید بتوان سفر مودی به آمریکا و گفتگو با باراک اوباما نسبت به ارتباط با ایران در بحث چابهار و چراغ سبز وی به هند را بتوان یکی از امتیازهای این مسئله از نظر ایران و تلاش برای مهار پروژه‌ها و ابتکارات منطقه‌ای چین از نظر آمریکا و هند دانست. همچنین باید تاکید کرد که استراتژی کنترل در صحنه (Onshore balancing) چین توسط آمریکا در شرق آسیا و تلاش برای تقویت سیستم متحدین استراتژیک خود از جمله ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین و استرالیا و ارتباط و اتصال هند با این سیستم که به « ناتوی کوچک » نیز در برخی ادبیات رسانه ای معروف شده است و چین را تحت فشارهای استراتژیک سنگین قرار داده است می‌تواند این کشور را وادار نماید تا از ظرفیت عدم همسویی ایران با سیاست‌های آمریکا بیشتر بهره برداری نماید.

### ملاحظات راهبردی

۱. هندی‌ها در حال بازتعریف نقش بین‌المللی خود هستند.
۲. هندی‌ها در این بازتعریف به دنبال بازیگری هستند که از منابع لازم اقتصادی، نظامی و سیاسی لازم به منظور اتکاء بر آن برخوردار باشند و آن بازیگر در حال حاضر آمریکا است.

بهینه استفاده نموده و تامین حداکثری منافع ملی کشور را باعث شود. در هر حال باید گفت که این شاخص رقابت استراتژیک در روابط دو جانبه چین و هند در دیگر حوزه‌های نزدیک از جمله افغانستان و آسیای مرکزی نیز در حال دنبال شدن است و یکی از اهداف استراتژی جاده ابریشم چین نیز تطبیق هند با قاعده نویسی چین برای نظم منطقه‌ای است.

نکته مهم تری که می‌بایست در ارتباط با مثلث استراتژیک چین هند و ایران بیان داشت آن است که هیچ‌کدام از دو متغیر چین و هند نمی‌توانند ظرفیت‌های استراتژیکی در حوزه‌های امنیتی در اختیار ایران قرار دهند. همانگونه که بیان شد هندی‌های به دلیل نزدیکی با آمریکا از واگذاری چنین ظرفیتی به ایران ناتوان هستند و چینی‌ها هم به دلیل وابستگی به منابع انرژی خاورمیانه اساساً تمایلی به انتخاب میان ایران و دیگر بازیگران کلیدی منطقه از جمله عربستان سعودی در حال حاضر ندارند چرا که انتخاب استراتژیک میان این دو بازیگر به خصوص انتخاب ایران می‌تواند توازن را میان دو کشور کمرنگ نموده و منافع و امنیت انرژی چین را به مخاطره بیاندازد.

مسئله نهایی که می‌توان در ارتباط با بهره برداری ایران از فضای رقابت استراتژیک میان دو کشور چین و هند بیان داشت را می‌توان در قالب استراتژی پیشنهادی مشترک «والت» و «میرشایمر»<sup>\*</sup> برای آمریکا و پیشنهاد اتخاذ استراتژی Offshore Balancing برای این کشور تبیین کرد. اگرچه والت و میرشایمر بیان می‌دارند که آمریکا می‌بایست سیاست کنترل از راه دور و ورود انتخابی در معادلات

\* متفکران واقع‌گرای آمریکایی

## ۷ نقش چین در روابط ایران و هند

۳. چینی‌ها تلاش دارند تا با توسل به ابتکارات مختلف عقبه هندوستان در غرب این کشور را از بین ببرند.

۴. چینی‌ها تلاش داشته اند تا از طریق پاکستان اصل محاصره هند را به عنوان یکی از تهدیدات اساسی این کشور به هند القاء نمایند.

۵. القاء چنین تصویری به هند، پاکستان را از یک خطر سنتی به یک تهدید امنیتی تبدیل کرده است.

۶. سیاست خارجی پاکستان در حال گذار به یک شرایط جدید است و نزدیکی بیشتر با چین است. لذا هندی‌ها هم در شرق خود و هم در غرب خود بیشتر چین را می‌بینند تا پاکستان.

۷. آمریکا در افق راهبردی بین‌المللی هند جا دارد و هند نیز در افق راهبردی آمریکا نقش و جایگاه دارد.

۸. تلاش هند برای حضور در چابهار در واقع شکستن تصویر و تلاش چین برای محاصره این کشور و حفظ بسترهای حضور در افغانستان برای جلوگیری از محاصره است.

